

۷. قضیه حقیقیه و خارجیّه برای احکام

جعل احکام:

قضیه خارجیّه: قضیه‌ای که موضوع آن افراد محقق الوجود معین و خارجی در یکی از زمان‌های سه‌گانه است مانند: اکرم هذا العالم (تعیین بالشخص).

قضیه حقیقیه: قضیه‌ای که موضوع آن مقدر الوجود است یعنی تقدیری و فرضی است یا همان کلی بما هو کلی مانند اکرم العلماء (تعیین بالوصف)

* **دقت مرحوم نائینی:** در حقیقت بازگشت هر قضیه حقیقیه به قضیه شرطیه است مثلاً وقتی گفته می‌شود اکرم العلماء یعنی اگر این شخص عالم است اکرامش کنید بعد نفر دوم بعد نفر سوم و الی آخره... پس قضیه شرطیه‌ای در دل قضیه حقیقیه وجود دارد.

پس وقتی می‌گویند بازگشت قضیه حقیقیه به قضیه شرطیه است مراد همین است.

* **مثال دیگر:** در قضیه نواب اربعه امام زمان عج الله تعالی فرجه

تعیین نواب اربعه می‌شود قضیه خارجیّه (تعیین بالشخص)

تعیین نواب عام می‌شود قضیه حقیقیه (تعیین بالوصف) اما الحوادث الواقعه فارجعوا الی رواات احادیثنا.

• فرق بین قضیه خارجیّه و قضیه حقیقیه:

(۱) **فارق نظری:** قضیه حقیقیه هم شامل موضوع بالفعل می‌شود هم موضوع تقدیری و فرضی مانند قضیه لو کان هذا عالماً فاکرمه که نسبت به زید جاهل هم بار می‌شود چون در قضیه حقیقیه حکم به وجوب ثابت می‌شود بر طبیعت مقدره یعنی این زید هرچند بالفعل عالم نیست منتهی تقدیراً و فرضاً عالم است

اما اگر قضیه به نحو قضیه خارجیّه باشد موضوعش باید محقق الوجود در خارج باشد به نحو فعلی مانند قضیه اکرم العالم که شامل زید جاهل نمی‌شود چون زید محقق الوجود فعلی نیست و در قضیه خارجیّه تقدیر و فرض راه ندارد.

(۲) **فارق عملی (میرزای نائینی):** موضوع در قضیه حقیقیه وصف کلی مفروض الوجود است، اما در قضیه خارجیّه ذات خارجی است مانند همان مثال نیابت خاصه و عامه امام زمان (عج).

* **ثمره این تفاوت:** درباره قضیه خارجیّه خود حاکم و مولا موظف است آن صفاتی که مد نظرش بوده را بدست بیاورد و عبد نسبت به احراز صفات کاره‌ای نیست یعنی حکم مولا اگر قضیه خارجیّه بود احراز اوصافی که

مدخلیت در حکم حاکم دارد با خود حاکم و مولاست ولی اگر قضیه حقیقیه بود احراز آن صفات بر خود مکلف است که آن صفات را احراز کند.

(۳) فارق عملی دیگر (میرزای نائینی): حال که قضیه حقیقیه بازگشت به قضیه شرطیه دارد پس الانتفاء عندالانتفاء رخ می‌دهد یعنی انتفاء جزاء و حکم عند انتفاء شرط و وصف.

پس اگر حکم به صورت قضیه حقیقیه بیان شد و وصف مد نظر مولا انجام نشد، چون مسئولیت تشخیص وصف به عهده عبد بوده تبعات آن هم (مانند قضا، یا اعاده و...) به عهده عبد است.

اما اگر حکم به صورت قضیه خارجیه بیان شد و وصف مد نظر مولا انجام نشد مسئولیت و تبعات آن به عهده خود مولاست.

*** تفاوت ثمره این فارق با مورد قبل:** در فارق قبلی دنبال متصدی احراز شرط بودیم (خارجیه: متصدی احراز مولا، حقیقیه: متصدی احراز عبد) اما ثمره این فارق سوم تعیین کسی که مسئولیت و تبعات تشخیص وصف را به عهده دارد می‌باشد.

*** تحقق احکام به عناوین ذهنی:**

حکم (اعم از قضیه حقیقیه یا خارجیه و اعم از حکم تشریحی و تکوینی) نمی‌تواند روی مصداق خارجی برود زیرا خودش امر اعتباری و ذهنی است بلکه فقط روی صورت ذهنیه می‌رود.

احکام به عناوین و صور ذهنیه تعلق می‌گیرد پس وقتی گفته می‌شود (النار محرقه) هرچند به آتش خارجی نگاه می‌کنیم و می‌گوییم النار محرقه اما در حقیقت حکم محرقه را به صورت ذهنیه‌ای که از آتش داریم بار کرده‌ایم از آن جهت که این صورت ذهنیه مرات آن شیء خارجی است.

از آنجایی که جزوه در حال ویرایش هست، لطفا ایرادات احتمالی را حتما اطلاع بدید

۰۹۱۲۷۵۸۸۶۲۴ @abdorreza۱۲۸ کانال حلقه ثالثه halqheh۳